

# عاموس

عاموس، نویسنده این کتاب، در تقویم، واقع در جنوب اورشلیم به شغل چوپانی و انجیرچینی اشتغال داشت. اما خداوند او را می خواند و رسالتی به او محول می کند. عاموس به وعظ و پیشگویی می پردازد. بیشتر موعظه ها و پیشگویی های او متوجه سامره، یعنی پایتخت حکومت شمالی اسرائیل است. سخنان او بسیار گویا می باشد و حاکی از قدرت روحانی و معنوی این مرد خدا است.

عاموس از مردم می خواهد با انصاف باشند و به فقرا کمک کنند. قوم اسرائیل در زمان حکومت یربعام دوم از رفاه زیادی برخوردار بود. مردم ثروتمند تازه به دوران رسیده، به دیگران ظلم می کردند. در عین حال، آنان در مراسم و جشنهای مذهبی شرکت می کردند و قربانی تقدیم خداوند می نمودند. عاموس آنها را متوجه اشتباهشان می کند و می گوید که این کارهایشان خداوند را خشمگین می سازد. بجای این کارهای به ظاهر مذهبی، بهتر است آنان به فقرا رسیدگی کنند.

کتاب عاموس از روز داوری سخن می گوید و به خواننده یاد آور می شود که هر انسانی در مقابل خداوند مسئول است. از آیات مهم این کتاب یکی ۳:۳ است، «زیرا گناهان شما باعث می شود رابطه بین من و شما تیره گردد»، و دیگری ۴:۱۲، «آماده شو تا هنگام داوری با خدای خود روبرو شوی.»

را به آتش خواهم کشید و قلعه مستحکم بن هدد را ویران خواهم کرد.<sup>۵</sup> پشت بندهایی را که دروازه های دمشق را می بندند خواهم شکست و مردمانش را تا دشت آون هلاک خواهم ساخت و پادشاه بیت عدن را نابود خواهم کرد. اهالی سوریه به شهر قیر به اسارت خواهند رفت.»

## فلسطین

خداوند می فرماید: «مردم غزه بارها مرتکب گناه شده اند و من این را فراموش نخواهم کرد و از سر تقصیرشان نخواهم گذشت، زیرا آنها قوم مرا تبعید نموده، ایشان را بعنوان برده در ادوم فروختند.<sup>۷</sup> پس من حصارهای غزه را به آتش خواهم کشید و تمام قلعه هایش را ویران خواهم کرد.<sup>۸</sup> اهالی اشدود را می کشم. شهر عقرون و پادشاه اشقلون را از بین می برم. تمام فلسطینی هایی که باقی مانده اند هلاک خواهند شد.»

عاموس، چوپانی از اهالی تقویم بود. دو سال قبل از وقوع زلزله، در زمان عزیا، پادشاه یهودا و یربعام (پسر یهوآش) پادشاه اسرائیل، خداوند این رؤیا را در باره آینده اسرائیل به او نشان داد.<sup>۲</sup> عاموس در باره آنچه دید و شنید چنین می گوید:

«خداوند از کوه صهیون در اورشلیم، مانند شیر غرش می کند و چراگاه های سبز و خرم کوه کرمل خشک می شوند و چوپانها ماتم می گیرند.»

## مجازات همسایگان اسرائیل

### سوریه

خداوند می فرماید: «اهالی دمشق بارها گناه کرده اند و من این را فراموش نخواهم کرد و از سر تقصیرشان نخواهم گذشت، زیرا همانطور که با میله های آهنی خرمن را می کوبند، آنها هم در جلعاد قوم مرا درهم کوبیدند.<sup>۴</sup> پس من قصر حزائیل پادشاه

موآب را به آتش می‌کشم و کاخهای قریوت را می‌سوزانم. موآب در میان آشوب و هیاهوی جنگجویان و صدای شیورها از پای درخواهد آمد. <sup>۳</sup> من پادشاه و رهبران او را خواهم کشت.»

### یهودا

<sup>۴</sup> خداوند می‌فرماید: «اهالی یهودا بارها گناه کرده‌اند و من این را فراموش نخواهم کرد و از سر تقصیرشان نخواهم گذشت. آنها نسبت به شریعت من بی‌اعتنایی کرده، احکام مرا بجا نیاوردند. آنها با پیروی از بت‌هایی که پدرانشان می‌پرستیدند، گمراه شدند. <sup>۵</sup> پس من یهودا را با آتش نابود می‌کنم و تمام قلعه‌ها و کاخهای اورشلیم را می‌سوزانم.»

### مجازات اسرائیل

<sup>۶</sup> خداوند می‌فرماید: «مردم اسرائیل بارها مرتکب گناه شده‌اند و من این را فراموش نخواهم کرد و از سر تقصیرشان نخواهم گذشت. آنها با قبول رشوه، مانع از اجرای عدالت می‌شوند. فقرایی را که نمی‌توانند قرضشان را پس بدهند، به غلامی می‌فروشند و آنها را با یک جفت کفش مبادله می‌کنند. <sup>۷</sup> آنها فقرا را به خاک می‌اندازند و پایمال می‌کنند و افتادگان را با لگد از سر راه خود دور می‌سازند. پدر و پسر با یک دختر همبستر می‌شوند و نام مقدس مرا بی‌حرمت می‌سازند. <sup>۸</sup> در جشنهای مذهبی با لباس‌هایی که با بی‌انصافی از بدهکاران\* خود گرفته‌اند بر پشتیها لم می‌دهند و در معبد خدای خود شرابی را که با مال حرام خریده‌اند سر می‌کشند. <sup>۹</sup> «ولی ای اسرائیل، من بخاطر شما اموری‌ها را که همچون درختان سرو، بلند قد و مانند درختان بلوط قوی بودند، بکلی از میان بردم. <sup>۱۰</sup> شما را از مصر بیرون آوردم و مدت چهل سال در بیابان رهبری کردم تا زمین اموری‌ها را به تصرف خود درآورید.

\* مطابق شریعت موسی نگه داشتن لباس گروی جایز نبود (خروج ۲۲:۲۶).

### صور

<sup>۹</sup> خداوند می‌فرماید: «اهالی صور بارها گناه کرده‌اند و من این را فراموش نخواهم کرد و از سر تقصیرشان نخواهم گذشت، زیرا پیمان برادری خود را با اسرائیل شکستند و به ایشان حمله کرده، آنها را به اودم به اسارت بردند. <sup>۱۰</sup> پس من حصارهای شهر صور را به آتش می‌کشم و تمام قلعه‌ها و کاخهایش را می‌سوزانم.»

### ادوم

<sup>۱۱</sup> خداوند می‌فرماید: «مردم ادوم بارها مرتکب گناه شده‌اند و من این را فراموش نخواهم کرد و از سر تقصیرشان نخواهم گذشت، چون آنها با بی‌رحمی تمام به جان برادران اسرائیلی خود افتادند و با خشم و غضب آنها را از دم شمشیر گذراندند. <sup>۱۲</sup> پس من هم شهر تیمان را به آتش خواهم کشید و قلعه‌های بصره را خواهم سوزانم.»

### عمون

<sup>۱۳</sup> خداوند می‌فرماید: «اهالی عمون بارها مرتکب گناه شده‌اند و من این را فراموش نخواهم کرد و از سر تقصیرشان نخواهم گذشت، زیرا در جنگ جلعاد برای توسعه مرزهای خود دست به کشتار هولناکی زدند و با شمشیر، شکم زنان حامله را پاره کردند. <sup>۱۴</sup> «پس، من حصارهای شهر ربه را به آتش خواهم کشید و قلعه‌ها و کاخهایش را خواهم سوزانم. در آنجا غریو جنگ، همچون غرش طوفان بلند خواهد شد. <sup>۱۵</sup> پادشاه و شاهزادگان عمون همه با هم به اسارت خواهند رفت.»

### موآب

<sup>۲</sup> خداوند می‌فرماید: «اهالی موآب بارها مرتکب گناه شده‌اند و من این را فراموش نخواهم کرد و از سر تقصیرشان نخواهم گذشت، زیرا آنها استخوانهای پادشاه اودم را با بی‌شرمی سوزانده آنها را تبدیل به خاکستر کردند. <sup>۲</sup> من هم در عوض،

جنایت‌های ننگین اسرائیل باشید.»

۱۰ خداوند می‌فرماید: «قوم من درستکاری را از یاد برده‌اند. کاخهای آنها پر از غنایمی است که از راه دزدی و غارت بدست آمده است. ۱۱ بنابراین، دشمن می‌آید و آنها را محاصره نموده، قلعه‌هایشان را ویران می‌کند و آن کاخهای مجلل را غارت می‌نماید.»

۱۲ خداوند می‌فرماید: «هرگاه چوپانی بخواهد گوسفندش را از چنگ شیر برهاند، فقط می‌تواند دو ساق یا یک گوش گوسفند را از دهان شیر بیرون بکشد. در سامره نیز وضعیت همینطور خواهد بود و فقط عدد کمی از بنی اسرائیل که بر تختهای مجلل نشسته‌اند جان سالم بدر خواهند برد.»

۱۳ خداوند، خدای قادر متعال می‌فرماید: «به این اعلامیه گوش کنید و آن را در سراسر اسرائیل به گوش همه برسانید. ۱۴ همان روزی که اسرائیل را بسبب گناهانش تنبیه کنم، قربانگاه‌های بتها را نیز در بیت‌ئیل نابود خواهم کرد. شاخهای قربانگاه بریده می‌شود و به زمین می‌افتد. ۱۵ کاخهای ثروتمندان را خراب خواهم کرد و خانه‌های زیبای ییلاقی و قشلاقی و قصرهای ساخته شده از عاج ایشان را با خاک یکسان خواهم ساخت.»

### یاغیگری اسرائیل

۴ گوش کنید، ای زنان سامره که مانند گاوهای سرزمین باشان، چاق شده‌اید و بر فقیران ظلم می‌کنید، نیازمندان را پایمال می‌نمایید و به شوهران خود می‌گویید: «شراب بیاورید تا بنوشیم.» ۲ خداوند به ذات پاک خود قسم خورده و فرموده است: «زمانی می‌رسد که قلاب به دهانتان انداخته همه شما را مثل ماهی خواهند کشید و با خود خواهند برد! ۳ شما را از خانه‌های زیبایتان بیرون می‌کشند و از نزدیکترین شکاف حصار بیرون می‌اندازند.»

\* «نذیره» به کسی گفته می‌شد که به خدا نذر شده بود و بعنوان نشانه نذر از هر نوع مشروب پرهیز می‌کرد، موی سر خود را نمی‌تراشید و به جنازه نزدیک نمی‌شد (نگاه کنید به اعداد ۱:۸-۸).

۱۱ پسران شما را انتخاب کردم تا نذیره‌های \* من و انبیای من باشند.» خداوند می‌فرماید: «ای اسرائیل، آیا می‌توانید این حقایق را انکار کنید؟ ۱۲ اما شما به نذیره‌های من شراب نوشانیده، باعث شدید گناه کنند و انبیای مرا ساکت گردانیده، نگذاشتید حرف بزنند! ۱۳ بنابراین من شما را مثل گاریهایی که زیر بار بافه‌ها به صدا می‌افتند، به ناله می‌اندازم. ۱۴ سریعترین جنگجویانتان هنگام فرار بر زمین خواهند افتاد. دلیران ضعیف خواهند شد و دلاوران از رها شدن خود عاجز خواهند بود. ۱۵ تیراندازان تیرشان به خطا خواهد رفت، سریعترین دوندگان از فرار باز خواهند ماند. بهترین سوارکاران هم نخواهند توانست جان سالم بدر برند. ۱۶ در آن روز، شجاعترین افراد شما سلاحهای خود را به زمین انداخته، برای نجات جان خود خواهند گریخت.» خداوند این را فرموده است.

### دلیل مجازات اسرائیل

۳ ای اسرائیل، به پیام خداوند گوش دهید. این پیام برای تمام قومی است که او از سرزمین مصر بیرون آورد:

۲ «از میان تمام اقوام روی زمین، من تنها شما را انتخاب کرده‌ام. به همین دلیل، وقتی گناه می‌کنید، شما را تنبیه می‌کنم؛ ۳ زیرا گناهان شما باعث می‌شود رابطه بین من و شما تیره گردد.»

۴ «تا دلیلی نداشته باشم، آیا مثل شیر غرش می‌کنم؟ شیر ژیان وقتی غرش می‌کند نشان می‌دهد که خود را برای طعمه آماده می‌کند. ۵ تله، تا پا رویش نگذارند بسته نمی‌شود؛ همچنین شما نیز پا روی تله گذاشته‌اید. ۶ شیپور جنگ در شهر به صدا درآمده است! پس بترسید؛ زیرا من که خداوند هستم سرزمین شما را دچار مصیبت و بلا می‌گردانم؛ ۷ ولی پیش از آن بوسیله انبیاء به شما هشدار خواهم داد.»

۸ شیر غرش کرده است! از ترس بلرزید. خداوند، خود حکم محکومیت شما را صادر کرده است و من جرأت ندارم آن را اعلام نکنم.

۹ ساکنان قصرهای اشدود و مصر را جمع کنید و به آنها بگویید: «روی کوه‌های سامره بنشینید تا شاهد

## دعوت به توبه

ای اسرائیل، به مرثیه‌ای که برای تو می‌خوانم گوش بده:

اسرائیل زیبا از پای افتاده است و نمی‌تواند برخیزد. کسی نیست او را برخیزاند. او را به حال خود گذاشته‌اند تا بمیرد.

خداوند می‌فرماید: «از یک شهر اسرائیل هزار نفر به جنگ می‌روند و فقط صد نفر زنده باز می‌گردند؛ از شهر دیگر صد نفر می‌روند و فقط ده نفر زنده برمی‌گردند.»

خداوند به قوم اسرائیل می‌فرماید: «مرا بطلبید و زنده بمانید. در طلب بتهای بیت‌ئیل و جلجال و بشریح نباشید؛ زیرا مردم جلجال به اسارت برده خواهند شد و مردم بیت‌ئیل نابود خواهند گردید.»

خدا را بطلبید و زنده بمانید، در غیراینصورت او مثل آتش در سراسر اسرائیل افروخته می‌شود و آن را می‌سوزاند و هیچکدام از بتهای بیت‌ئیل نمی‌توانند آن را خاموش کنند.

ای مردم شرور، شما انصاف را به کام مردم تلخ کرده‌اید و عدالت را پایمال نموده‌اید.

در طلب کسی باشید که صورت فلکی ثریا و جبار را آفرید، او که تاریکی شب را به صبح روشن، و روز را به شب تبدیل می‌کند، او که آب دریا را فرا می‌خواند و آن را بر زمین می‌باراند. بلی، در طلب خداوند باشید. او قلعه‌های مستحکم قدرتمندان را بر سر آنها خراب می‌کند.

شما از قضات درستکار نفرت دارید و از کسانی که راست می‌گویند بیزارید. حق فقیران را پایمال می‌کنید و گندمشان را به زور می‌گیرید. بنابراین، هرگز در خانه‌های زیبایی که از سنگ می‌سازید، ساکن نخواهید شد و شراب تاکستانهای دلپسندی را که غرس می‌کنید، نخواهید چشید، زیرا می‌دانم چه گناهان بزرگی مرتکب شده‌اید و چه جنایات بی‌شماری از شما سر زده است. شما دشمن تمام خوبیها هستید. رشوه می‌گیرید و در حق فقرا، عدالت را بجا نمی‌آورید. پس هر که عاقل باشد سکوت خواهد کرد، زیرا زمان بدی خواهد بود.

«حال، اگر می‌خواهید، باز هم در بیت‌ئیل و جلجال برای بتهای قربانی کنید! تا می‌توانید سرپیچی نمایید و گناهانتان را زیاد کنید! هر روز صبح قربانی کنید و هفته‌ای دوبار ده یک‌هایتان را بیاورید! به مراسم ظاهری خود ادامه داده، هدایای خود را تقدیم کنید و همه جا از این هدایایی که داده‌اید سخن بگویید!

«من به شهرهای شما قحطی فرستادم، ولی فایده‌ای نداشت و باز بسوی من بازگشت نکردید. سه ماه به فصل درو مانده بود که جلو باران را گرفتم و محصول شما را از بین بردم. در یک شهر باران فرستادم و در شهر دیگر نفرستادم! بر یک مزرعه باران می‌بارید، ولی مزرعه دیگر خشک و بی‌آب بود. مردم چند شهر برای نوشیدن جرعه‌ای آب، تن به سفر خسته کننده می‌دادند و به شهری که باران باریده بود می‌رفتند، ولی در آنجا هم آب کافی پیدا نمی‌کردند. با اینحال، بسوی من بازگشت نکردید.

آفت بر مزرعه‌ها و تاکستانهای انگور شما فرستادم. ملخ، درختان انجیر و زیتون شما را خورد. با اینحال، بسوی من بازگشت نکردید. همان بلاهایی را که بر مصر فرستادم بر سر شما نیز آوردم. جوانان شما را در جنگ کشتم و اسبهای شما را تارومار کردم. بینی شما از بوی تعفن اجساد اردوگاهتان پر شد. با این حال بسوی من بازگشت نکردید. بعضی از شهرهای شما را مثل سدوم و عموره بکلی از بین بردم، و آنهایی نیز که باقی ماندند مانند هیزم نیم سوخته‌ای بودند که آنها را از میان آتش بیرون کشیده باشند.» خداوند می‌فرماید: «با اینحال، بسوی من بازگشت نکردید.

«بنابراین، تمام بلاهایی را که درباره آنها سخن گفته‌ام بر سر شما خواهم آورد. پس ای اسرائیل، آماده شو تا هنگام داوری با خدای خود روبرو شوی؛ زیرا تو با کسی سروکار داری که کوه‌ها را ساخت و بادها را آفرید و تمام افکار انسان را می‌داند. او صبح روشن را تاریک می‌گرداند و کوه‌ها را در زیر پاهایش خرد می‌کند. نام او خداوند، خدای قادر متعال است.»

۲۷ خداوند، خدای قادر متعال می‌فرماید: «بنابراین، من آنها را با شما به دیار دوردست واقع در شرق دمشق به اسارت می‌فرستم.»

### ویرانی اسرائیل

۶ وای بر شما ای رهبران و بزرگان قوم اسرائیل که در اورشلیم و سامره وقت خود را به خوشگذرانی و عیاشی می‌گذرانید. ای شما که احساس امنیت می‌کنید،<sup>۲</sup> به کلنه بروید و ببینید چه بر سر آن شهر آمده است. به حمت بزرگ بروید و از آنجا به جت در سرزمین فلسطین. آنها از مملکت شما بهتر و بزرگتر بودند، ولی ببینید چه بر سر آنها آمده است!<sup>۳</sup> شما فکر مجازاتی را که در انتظارتان است از خود دور می‌کنید، اما با اعمال خود روز داوری را نزدیک می‌سازید.<sup>۴</sup> بر تختهای عاج دراز می‌کشید، اطرافتان را از وسایل خوشگذرانی پر می‌کنید و گوشت لذیذترین بره‌ها و مرغوبترین گوساله‌ها را می‌خورید.<sup>۵</sup> مانند داود سرود می‌سازید و همراه با نوای بریط می‌خوانید.

۶ کاسه کاسه شراب می‌نوشید و با عطرها خوشبو، خود را معطر می‌سازید و به فکر برادران محتاج خود نیستید.<sup>۷</sup> بنابراین، شما جزو اولین کسانی خواهید بود که به اسارت برده می‌شوند. دوران عیاشی شما به پایان خواهد رسید.

۸ خداوند، خدای قادر متعال به ذات خود قسم خورده و فرموده است: «من از تکبر اسرائیل نفرت دارم و از کاخهای مجللش بیزارم، پس پایتخت آن را با هرچه در آن است به دشمنانش واگذار خواهم کرد.»

۹ اگر ده نفر در یک خانه پنهان شده باشند، آنها هم نابود خواهند شد.<sup>۱۰</sup> وقتی خویشاوند شخص مرده‌ای برای دفن جسد او بیاید، از تنها کسی که در خانه زنده مانده است خواهد پرسید: «آیا کس دیگری باقیمانده است؟» او جواب خواهد داد: «نه.» بعد آن خویشاوند خواهد گفت: «ساکت باش و نام خداوند را بر زبان نیاور.»

۱۱ خداوند دستور داده است که خانه‌های بزرگ و

۱۴ نیکوکار باشید و از بدی دوری کنید تا زنده بمانید. آنگاه چنانکه ادعا کرده‌اید، خداوند، خدای قادر متعال مددکار شما خواهد بود.<sup>۱۵</sup> از بدی نفرت کنید و نیکی را دوست بدارید. دادگاه‌های خود را به جایگاه واقعی عدالت تبدیل کنید تا شاید خداوند، خدای قادر متعال به بازماندگان قوم خود رحم کند.

۱۶ خداوند، خدای قادر متعال چنین می‌فرماید: «در تمام کوچه‌های شهر ناله و شیون خواهد بود. حتی از کشاورزان نیز خواهند خواست تا همراه مرثیه‌خوانان نوحه‌گری نمایند.<sup>۱۷</sup> در هر تا کستانی ماتم و زاری خواهد بود، زیرا من برای مجازاتان از میان شما عبور خواهم کرد.»

۱۸ وای بر شما که می‌گویید: «ای کاش روز خداوند فرا می‌رسید.» شما نمی‌دانید چه می‌طلبد، چون آن روز، روز روشنایی و کامیابی نخواهد بود، بلکه روز تاریکی و فنا!<sup>۱۹</sup> در آن روز شما مثل شخصی خواهید بود که از شیرینی فرار کند و با خرسی روبرو شود؛ و یا مثل کسی که به خانه‌اش وارد شده، دستش را به دیوار تکیه دهد و ماری او را بگذرد.<sup>۲۰</sup> آری، روز خداوند برای شما روزی تاریک و ناامیدکننده خواهد بود و اثری از روشنایی در آن دیده نخواهد شد.

۲۱ خداوند می‌فرماید: «من از ظاهرسازی و ریاکاری شما نفرت دارم که با عیدها و مجالس مذهبی خود، وانمود می‌کنید که به من احترام می‌گذارید.<sup>۲۲</sup> من قربانی‌های سوختنی و شکرگزاری شما را نمی‌پذیرم و به قربانی‌های سلامتی شما توجه نمی‌کنم.<sup>۲۳</sup> سرودهای حمد خود را از من دور کنید، زیرا من به آنها گوش نمی‌دهم.<sup>۲۴</sup> بجای آن بگذارید عدالت مانند رودخانه و انصاف همچون نهر دایمی جاری شود!»

۲۵ «ای اسرائیل، مدت چهل سالی که در بیابان بودید، برای من قربانی و هدیه می‌آوردید،<sup>۲۶</sup> ولی علاقه واقعی شما به خدایانتان بود یعنی به سکوت، خدای پادشاه شما و به کیوان، خدای ستارگانتان و به تمامی تمثالهایی که برای خود ساخته بودید.»

منصرف نخواهم شد.<sup>۹</sup> قربانگاه‌های بتها و بتخانه‌های اسرائیل نابود خواهند شد و من دودمان یربعام پادشاه را با شمشیر از بین خواهم برد.»

### عاموس و امصیا

<sup>۱۰</sup> اما وقتی امصیا، کاهن بیت‌ئیل، آنچه را که عاموس می‌گفت شنید، با عجله این پیغام را برای یربعام پادشاه فرستاد: «عاموس به قوم ما خیانت می‌کند و علیه تو توطئه می‌چیند. موعظه‌های او مملکت ما را به نابودی خواهد کشاند.»<sup>۱۱</sup> عاموس می‌گوید تو کشته می‌شوی و قوم اسرائیل به سرزمینهای دور دست به تبعید و اسارت برده می‌شوند.»

<sup>۱۲</sup> آنگاه امصیا به عاموس گفت: «ای نبی، از سرزمین ما خارج شو! به سرزمین یهودا بازگرد و در آنجا موعظه کن و نان بخور.»<sup>۱۳</sup> دیگر در بیت‌ئیل برای ما نبوت نکن، چون عبادتگاه پادشاه و مقر سلطنتی او در اینجا قرار دارد.»

<sup>۱۴</sup> ولی عاموس جواب داد: «من نه نبی هستم، نه از نسل انبیاء. کارم چوپانی و چیدن میوه‌های صحرائی بود،<sup>۱۵</sup> اما خداوند مرا از کار چوپانی گرفت و گفت: «برو و برای قوم من اسرائیل نبوت کن.»<sup>۱۶</sup> ولی تو به من می‌گویی که برضد اسرائیل پیشگویی نکنم، پس به پیامی که خداوند برای تو دارد گوش کن:<sup>۱۷</sup> «چون در کار خداوند دخالت کردی، زنت در همین شهر فاحشه خواهد شد، پسران و دخترانت کشته خواهند شد و املاکت تقسیم خواهد گردید. خودت نیز در سرزمین بیگانه خواهی مرد و قوم اسرائیل از وطن خود تبعید شده، به اسارت خواهند رفت.»

### رؤیای سبد پر از میوه

آنگاه خداوند، در رؤیا یک سبد پر از میوه‌های رسیده به من نشان داد.

<sup>۲</sup> او پرسید: «عاموس، چه می‌بینی؟»

جواب دادم: «یک سبد پر از میوه‌های رسیده.»  
خداوند فرمود: «این میوه‌ها نمونه‌ای از قوم من اسرائیل است که برای مجازات آماده شده‌اند. دیگر

کوچک با خاک یکسان شوند.<sup>۱۲</sup> آیا ممکن است اسب روی صخره بدود؟ و یا گاو دریا را شخم بزند؟ تصور چنین عملی احمقانه است، ولی کاری که شما می‌کنید احمقانه‌تر از آن است! شما حق را به باطل تبدیل می‌کنید و انصاف را به کام مردم تلخ می‌نمایید.<sup>۱۳</sup> به قدرت خود فخر می‌کنید، ولی فخر شما پوچ و بی‌اساس است.<sup>۱۴</sup> خداوند، خدای قادر متعال می‌فرماید: «ای اسرائیل، قومی را بضد تو می‌فرستم تا از مرز شمالی تا انتهای مرز جنوبی یعنی از حمات تا نهر عرب، تو را به تنگ آورد.»

### رؤیای ملخ و آتش و شاقول

در رؤیایی که خداوند به من نشان داد دیدم برداشت محصول اول غله که سهم پادشاه بود تمام شده و محصول دوم، تازه سبز شده بود. سپس دیدم خداوند انبوهی ملخ فرستاد.<sup>۲</sup> ملخها هر چه سر راهشان بود، خوردند. آنگاه من گفتم: «ای خداوند، التماس می‌کنم قوم خود را ببخش و این آفت را از آنها دور کن، زیرا اسرائیل کوچک و ضعیف است و نمی‌تواند طاقت بیاورد.»<sup>۳</sup> خداوند نیز ترحم فرمود و گفت: «این بلا را نمی‌فرستم.»

<sup>۴</sup> آنگاه خداوند، آتش بزرگی را که برای مجازات آنها تدارک دیده بود، به من نشان داد. این آتش آبهای عمیق زمین را بلعیده، تمام کشتزارها را سوزانید.

<sup>۵</sup> گفتم: «ای خداوند، التماس می‌کنم این کار را نکن، زیرا اسرائیل کوچک و ضعیف است و نمی‌تواند طاقت بیاورد.»

<sup>۶</sup> پس خداوند از این نقشه هم منصرف شد و فرمود: «این کار را نیز نخواهم کرد.»

<sup>۷</sup> سپس، این رؤیا را به من نشان داد: خداوند در کنار دیوار راستی که با شاقول تراز شده بود ایستاده، با شاقول آن را امتحان می‌کرد تا ببیند تراز است یا نه.<sup>۸</sup> آنگاه خداوند به من فرمود: «عاموس، چه می‌بینی؟»

جواب دادم: «یک شاقول.»

خداوند فرمود: «من بوسیله شاقول، قومم را امتحان می‌کنم و این بار، دیگر از مجازات کردن آنها

### مجازات اسرائیل بوسیله خداوند

۹ خداوند را دیدم که کنار قربانگاه ایستاده بود و می‌گفت: «سر ستونهای خانه خدا را بشکن تا ستونها فرو ریخته، سقف خانه بر سر مردم خراب شود. کسی جان سالم بدر نخواهد برد. حتی کسانی هم که موفق به فرار شوند، در راه کشته خواهند شد. اگر به دوزخ بروند، دست خود را دراز کرده آنها را از آنجا بیرون خواهم کشید و اگر به آسمانها فرار کنند، ایشان را به زیر خواهم آورد. اگر در کوه کرمل پنهان شوند، آنها را پیدا خواهم کرد، و اگر در قعر دریا خود را مخفی کنند، ما را خواهم فرستاد تا آنها را بگزد. حتی اگر به اسارت هم بروند، من آنها را در آنجا خواهم کشت. قصد من این است که این قوم مجازات شوند.»

۵ خداوند، خدای قادر متعال زمین را لمس می‌کند و زمین گداخته می‌شود و همه ساکنانش ماتم می‌گیرند. تمام زمین مثل رود نیل بالا می‌آید و دوباره فرو می‌نشیند. آنکه خانه خود را در آسمانها ساخته و پایه آن را بر زمین نهاده است، و آب دریا را فرا می‌خواند و آن را بر زمین می‌باراند، نامش خداوند است!

۷ خداوند می‌فرماید: «ای قوم اسرائیل، آیا برای من شما از حبشی‌ها بهتر هستید؟ آیا من که شما را از مصر بیرون آوردم، برای سایر قوم‌ها نیز همین کار را نکردم؟ فلسطینی‌ها را از «کفتور» و سوری‌ها را از «قیر» بیرون آوردم. چشمان من مملکت گناهکار اسرائیل را می‌بیند و من آن را از روی زمین محو خواهم ساخت؛ ولی خاندان اسرائیل را بکلی از بین نخواهم برد، بلکه مقرر می‌دارم که اسرائیل بوسیله سایر قوم‌ها مثل غله‌ای که در غربال است الک گردد و کاملاً از بدکاران پاک شود. تمام گناهکارانی که می‌گویند: «خدا نمی‌گذارد بلایی به ما برسد»، با شمشیر کشته خواهند شد.

### احیای اسرائیل

۱۱ «آنگاه در آن زمان، سلطنت داود را که اکنون ویران است دوباره برپا خواهم ساخت و آن را به

مجازات ایشان را به تعویق نخواهم انداخت. ۳ در آن روز سرودهایی که مردم در خانه خدا می‌خوانند به گریه و زاری تبدیل خواهد شد. اجساد مردم در همه جا پراکنده خواهد شد و آنها را بی‌سر و صدا جمع کرده، به خارج شهر خواهند برد.»  
 ۴ گوش کنید! ای کسانی که بر فقرا ظلم می‌کنید و نیازمندان را پایمال می‌نمایید. ۵ ای کسانی که آرزو دارید روز سبت و تعطیلات مذهبی هر چه زودتر تمام شوند تا دوباره به کسب خود بپردازید و با ترازوهای دستکاری شده و سنگهای سبکتر، مشتریان خود را فریب داده، پول بیشتری از ایشان بگیرید. ۶ ای کسانی که فقرا را در مقابل یک سکه نقره و یا یک جفت کفش به بردگی می‌گیرید و گندم پس مانده خود را به آنها می‌فروشید.

۷ خداوند که مایه سربلندی اسرائیل است، قسم خورده می‌فرماید: «من این کارهای شما را فراموش نخواهم کرد. ۸ پس سرزمین اسرائیل به لرزه خواهد افتاد و تمام قوم ماتم خواهند گرفت. سرزمین اسرائیل مانند رود نیل در وقت سیلاب، متلاطم شده بالا خواهد آمد و دوباره فرو خواهد نشست. ۹ در آن زمان، کاری خواهم کرد که آفتاب هنگام ظهر، غروب کند و زمین در روز روشن، تاریک شود. ۱۰ جشنهای شما را به مجالس عزا و ترانه‌های شاد شما را به مرثیه مبدل خواهم کرد. آنوقت لباس عزا پوشیده سربایتان را به علامت سوگواری خواهید تراشید، چنانکه گویی یگانه پسران مرده است. آن روز، روز بسیار تلخی خواهد بود.»

۱۱ خداوند می‌فرماید: «روزی خواهد رسید که من قحطی شدیدی در این سرزمین پدید خواهم آورد. این قحطی، قحطی نان و آب نخواهد بود، بلکه قحطی کلام خدا. ۱۲ مردم از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب دنبال کلام خدا خواهند دوید ولی موفق به پیدا کردن آن نخواهند شد. ۱۳ در آن روز حتی دختران و پسران جوان نیز از تشنگی ضعف خواهند کرد ۱۴ و آنانی که بتهای سامره و دان و بئرشع را پرستش می‌کنند خواهند افتاد و دیگر هرگز بلند نخواهند شد.»

عظمت سابقش بازخواهم گرداند،<sup>۱۲</sup> و آنچه را که از ادوم و تمام قوم‌هایی که به من تعلق دارند، باقی بماند، اسرائیل تصاحب خواهد کرد.» خداوندی که تمام اینها را بجا می‌آورد چنین فرموده است.

<sup>۱۳</sup> خداوند می‌فرماید: «زمانی فرا خواهد رسید که فراوانی محصول خواهد بود و غله چنان سریع رشد خواهد کرد که دروگران فرصت درویدن نخواهند داشت، و از فراوانی انگور، از دامنه کوه‌های اسرائیل

شراب شیرین فرو خواهد چکید.<sup>۱۴</sup> من قوم خود اسرائیل را از اسارت باز می‌گردانم. آنها شهرهای ویران خود را بازسازی نموده، دوباره در آنها ساکن خواهند شد. باغها و تاکستانها غرس نموده شراب آنها را خواهند نوشید و میوه آنها را خواهند خورد.<sup>۱۵</sup> ایشان را در سرزمینی که به آنها داده‌ام، مستقر خواهم ساخت و ایشان بار دیگر ریشه کن نخواهند شد.» خداوند، خدای شما این را می‌فرماید.